

فصلنامه علمی- پژوهشی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء (س)
سال بیست و هشتم، دوره جدید، شماره ۳۹، پیاپی ۱۲۹، پاییز ۱۳۹۷

بررسی کارکرد اقتصادی بنیاد پهلوی^۱

حمید آزاد^۲

داریوش رحمانیان^۳

تاریخ دریافت: ۹۶/۱۰/۱۰

تاریخ پذیرش: ۹۶/۱۱/۱۷

چکیده

محمدرضا شاه پهلوی در سال ۱۳۳۷ ش بنیاد پهلوی را تأسیس کرد. این بنیاد در مدت بیست سال فعالیت خود (۱۳۳۷-۱۳۵۷) در ظاهر سازمانی خیریه بود که تنها برای تأمین مالی اهداف خیریه شاه به فعالیت اقتصادی می پرداخت، اما در واقع سازمان اقتصادی‌ای بود که در حوزه‌های مختلف اقتصادی سرمایه‌گذاری‌های گسترده‌ای انجام می داد. تاکنون پژوهش‌های انجام شده دلیل این سرمایه‌گذاری‌های گسترده را ثروت‌اندوزی شاه از طریق پوشش خیریه این بنیاد دانسته‌اند. اما این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی و تکیه بر منابع اسنادی و کتابخانه‌ای نشان داده است که شاه به جز انگیزه مزبور، از طریق بنیاد پهلوی قصد مداخله، هدایت و تقویت جریان توسعه اقتصادی و صنعتی را داشته است. جریان مزبور جریانی در بین شاه و سیاست‌گذاران اقتصادی حکومت پهلوی از نیمه دوم دهه ۱۳۳۰ ش به بعد بود که بر توسعه سریع اقتصادی و صنعتی تأکید داشت. پژوهش حاضر به بررسی چگونگی و چرایی مداخله شاه در این جریان از طریق

۱. شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/hii.2018.17315.1475

۲. دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)؛ hamid.azad@ut.ac.ir

۳. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه تهران؛ rahmanian@ut.ac.ir

بنیاد پهلوی، که در این پژوهش «کارکرد اقتصادی» بنیاد پهلوی نام گرفته است، پرداخته است. سؤال اصلی مقاله حاضر این است که به جز عامل مالی (ثروت‌اندوزی)، چه عاملی مبین سرمایه‌گذاری‌ها و فعالیت‌های گسترده بنیاد پهلوی در حوزه اقتصادی است؟ براساس یافته‌های این پژوهش، شاه با این سرمایه‌گذاری‌ها، از بنیاد در واقع اقتصادی پهلوی به مثابه ابزاری برای تحقق هرچه سریع‌تر برنامه‌های بلندپروازانه اقتصادی و صنعتی خود و تقویت و پشتیبانی از سیاست‌های اقتصادی حکومت خود در حوزه‌های بانک‌داری، صنعت و معدن، بازرگانی دریایی، توریسم و مسکن در دو دهه ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ ش بهره‌برداری کرده است.

واژه‌های کلیدی: بنیاد پهلوی، کارکرد اقتصادی، محمدرضا شاه پهلوی، سیاست‌های اقتصادی، توسعه صنعتی.

مقدمه

بنیاد پهلوی یکی از مهم‌ترین سازمان‌های وابسته به دربار و شخص محمدرضا پهلوی بود که در سال ۱۳۳۷ ش تأسیس شد و تا پایان حکومت پهلوی در بهمن ۱۳۵۷ ش به کار خود ادامه داد. بنیاد مزبور در مدت بیست سال حیات خود به فعالیت‌های گوناگون اقتصادی، خیریه و اقدامات عام‌المنفعه در حوزه اجتماعی، فرهنگی، درمانی اشتغال داشت. در این مقاله، صرفاً فعالیت‌های اقتصادی بنیاد پهلوی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است.

با خط‌مشی‌های محمدرضا شاه، بنیاد پهلوی از بدو تأسیس تا هنگام سقوط حکومت پهلوی به صورت گسترده در برخی حوزه‌های اقتصادی جدید به سرمایه‌گذاری پرداخت و از این طریق کارکردهای^۱ مهمی برای شاه در پی داشت. تقریباً تمام پژوهش‌ها و آثاری که به بنیاد پهلوی پرداخته‌اند تنها یک کارکرد برای آن ذکر کرده‌اند و آن این که بنیاد ابزاری برای ثروت‌اندوزی شاه بوده است. اما این پژوهش معتقد است که به جز کارکرد مزبور، بنیاد پهلوی کارکرد بسیاری مهم‌تر دیگری برای شاه داشته است که مغفول مانده است. بر همین اساس، سؤال اصلی نوشتار پیش‌رو این است که جز انگیزه مالی (ثروت‌اندوزی)، چه عامل دیگری سبب شد که شاه بنیاد پهلوی را به سمت سرمایه‌گذاری‌های گسترده اقتصادی سوق دهد؟ براساس فرضیه این پژوهش،

۱. منظور از کارکرد در این پژوهش، اهداف و مقاصد مشخص اما اعلام‌نشده و غیرآشکاری است که از فعالیت‌های اقتصادی بنیاد پهلوی برای شاه حاصل شده است.

پس از آغاز برنامه‌های اقتصادی و توسعه صنعتی، شاه از بنیاد پهلوی به عنوان یک سازمان قدرتمند اقتصادی برای تسریع در تحقق سیاست‌های اقتصادی و صنعتی و تقویت و یا تأسیس حوزه‌های جدید صنعتی در دو دههٔ چهل و پنجاه شمسی بهره‌برداری کرده است. توضیح بیشتر این‌که در برنامهٔ دوم توسعه (۱۳۳۴-۱۳۴۱) و پس از انجام سیاست‌گذاری‌های اقتصادی و با افزایش درآمد نفت و با کمک‌های مالی خارجی تحولات اقتصادی‌ای در کشور آغاز شد و در طی آن و برنامه‌های توسعهٔ بعدی، جریانی برای صنعتی کردن کشور در بین شاه و دولتمردان حکومت پهلوی شکل گرفت و تا پایان این حکومت ادامه یافت. مهم‌ترین رویکرد این جریان، تمرکز و تأکید بر روی صنعتی شدن هر چه سریع‌تر ایران بود. مهم‌ترین راهبرد ایشان برای تحقق این امر نیز سرمایه‌گذاری‌های گسترده برای تأسیس و یا توسعهٔ حوزه‌های اقتصادی و صنعتی جدید از جمله بانک‌داری و بیمه، صنایع و معادن، بازرگانی دریایی، تورسیم و مسکن بود. این جریان حاکم بر ذهن شاه باعث شد که وی بنیاد پهلوی را که برای اهداف شخصی مالی و برخی اهداف خیرخواهانه تأسیس کرده بود، در راستای تحقق امر صنعتی شدن به سمت تقویت و توسعهٔ حوزه‌های مذکور بکشانند.

از نظر پیشینهٔ پژوهش، تاکنون در زمینهٔ موضوع این مقاله، پژوهشی صورت نگرفته است. تألیفاتی که در قالب مقاله و کتاب به بنیاد پهلوی و فعالیت‌ها و سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی آن اشاره کرده‌اند، همگی تنها منظور این فعالیت‌ها را ثروت‌اندوزی برای شاه عنوان کرده‌اند. رابرت گراهام در اثرش *ایران سراب قدرت* بنیاد پهلوی را یک «سرمایه پنهان» در پوشش خیریه برای محمدرضا شاه دانسته که از طریق این پوشش، وی به سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی دست زده است. او می‌نویسد، بنیاد پهلوی عملاً از سه طریق در راستای خدمت به خاندان پهلوی کار می‌کرد: مجرای مطمئن برای مستمری‌های طبقات ممتاز، وسیله‌ای برای کنترل و نفوذ اقتصادی از طریق سرمایه‌گذاری اقتصادی و یک منبع سرمایه برای شرکت‌های متعلق به شاه (گراهام، ۱۳۵۸: ۱۹۷). هرچند گراهام از کنترل و نفوذ اقتصادی نام برده اما آن را تشریح نکرده تا بدانیم منظور وی از «کنترل و نفوذ» دقیقاً چیست. محمدرضا سوداگر در کتاب *رشد روابط سرمایه‌داری در ایران: مرحله گسترش ۱۳۴۲-۱۳۵۷* بنیاد پهلوی را «که به ظاهر صورت یک مؤسسه خیریه داشت»، مهم‌ترین منبع درآمد شاه و دربار قلمداد کرده که «سود بی حساب و کتاب» سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی‌اش به حساب شاه و درباریان «منظور» می‌شده است (سوداگر، ۱۳۶۹: ۱۴۳). آبراهامیان نیز در اثرش *تاریخ ایران مدرن* بنیاد خیریه پهلوی را که معاف از مالیات بود، وسیله‌ای برای «ادارهٔ بخش اعظم دارایی‌های ثابت محمدرضا شاه» معرفی کرده است (آبراهامیان، ۱۳۹۲: ۲۳۳).

به جز کتب یادشده، در جلد چهارم دانشنامه جهان اسلام مدخلی تحت عنوان «بنیاد پهلوی» توسط منیژه ربیعی منتشر شده است که تنها اطلاعات مختصری درباره بنیاد پهلوی ارائه داده است. کبری شوندی مطلق در مقاله‌ای با عنوان «تأسیس بنیاد پهلوی و ماهیت آن» از برخی از شرکت‌ها، کارخانه‌ها و مؤسسات بنیاد پهلوی نام برده و اقدامات خیریه این بنیاد را اقدامات تبلیغی برای محبوبیت بخشی به خاندان سلطنتی و «سرپوشی» برای اقدامات «چپاول گرانه» سلطنت دانسته است.^۱ اخیراً نیز در مقالات برخی مجلات و مقالات اینترنتی به مسئله بحث برانگیز سرمایه گذاری‌های گسترده اقتصادی بنیاد پهلوی پرداخته شده که نویسندگان آن‌ها با رویکردی یک‌سونگرانه و غیرعلمی به بنیاد پهلوی پرداخته‌اند.^۲ در پایان‌نامه‌ای در مقطع کارشناسی ارشد نیز که اخیراً درباره بنیاد پهلوی نوشته شده است، به جز برشمردن فعالیت‌های اقتصادی و فرهنگی بنیاد پهلوی و اذعان به ثروت‌اندوزی شاه از طریق بنیاد، مطلبی درباره مداخله شاه در جریان توسعه اقتصادی و صنعتی از طریق این بنیاد به چشم نمی‌خورد.^۳

همان‌گونه که پیداست آثاری که به موضوع بنیاد پهلوی پرداخته‌اند، تنها کارکرد آن را ثروت‌اندوزی عنوان کرده‌اند. در مقاله پیش‌رو، نگارندگان قصد دارند پژوهش جامعی از فعالیت‌های اقتصادی بنیاد پهلوی ارائه دهند تا کارکرد بسیار مهم اقتصادی آن برای شاه در حوزه اقتصادی و صنعتی روشن شود. ضرورت این پژوهش نیز بدین علت است که تحلیل جامع‌تری از کارنامه بحث‌برانگیز اقتصادی بنیاد پهلوی ارائه می‌دهد و آن را از تک‌عاملی دیدن خارج می‌کند. مهم‌ترین اتکای نوشتار پیش‌رو به اسناد، نشریات و برخی کتب خاطرات دوره پهلوی است. عمده اسناد مورد استفاده در این نوشتار، اسناد دست اول بایگانی بنیاد پهلوی است که اکنون در آرشیو مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران نگهداری می‌شود. علاوه بر اسناد، نشریات تخصصی اقتصادی آن دوره و خاطرات برخی از رجال عصر پهلوی که در سیاست‌گذاری اقتصادی نقش داشته‌اند نیز مورد بهره‌برداری قرار گرفته است. لازم به توضیح است که در متن مقاله برای رعایت اختصار به جای آرشیو «مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران» از «مُتَمَّا»، به جای آرشیو «مرکز اسناد

۱. کبری شوندی مطلق. «تأسیس بنیاد پهلوی و ماهیت آن»، (بی‌تاریخ)، پژوهشکده باقرالعلوم، **بانک مقالات علوم انسانی و اسلامی (پژوهه)**: www.pajooh.e.ir.

۲. به‌عنوان نمونه رک: «پنج‌جاه و هشت سال تبه‌کاری، خیانت و غارت؛ بخش دوم: تأملاتی پیرامون بنیاد پهلوی و فساد مالی رژیم شاه»، سیدمحمدجواد قربی و فرهاد سهامی، **فصلنامه یازده خرداد**، شماره‌های ۳۹ و ۴۰، بهار و تابستان ۱۳۹۳.

۳. فرهاد سهامی. **عملکرد بنیاد پهلوی و مواضع نیروهای انقلابی نسبت به آن** (پایان‌نامه). استاد راهنما: علیرضا ملائی توانی، تهران: پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی، ۱۳۹۲.

انقلاب اسلامی» از «مراسان» و به جای شماره بازیابی اسناد و مدارک آرشیوی از «ش ب» استفاده شده است.

زمینه‌های تأسیس بنیاد پهلوی و وقف اموال محمدرضاشاه

اموال غیرمنقول محمدرضاشاه، که بنیاد پهلوی برپایه آنها شکل گرفت، اموالی بودند که از رضاشاه به وی رسیده بود. رضاشاه در دوران سلطنتش املاک بسیاری از مالکان کوچک و بزرگ را تصرف کرد. پس از سقوط رضاشاه و تبعید وی، املاک و مستغلات گسترده وی در فضای سیاسی و اجتماعی پدید آمده در خصوص «غصب» املاک مردم، با فرمان محمدرضاشاه جوان به دولت واگذار شد (عاقلی، ۱۳۶۷: ۱۶۸). اما در سال ۱۳۲۸ ش با تلاش دربار املاک و مستغلات مذکور با تصویب مجلس شورای ملی مجدداً در اختیار شاه قرار گرفت و به «موقوفه خاندان پهلوی» موسوم گردید (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره ۱۵، جلسه ۱۸۸، ۲۰ تیر ۱۳۲۸). پس از آن املاک و مستغلات مذکور کار خود را در قالب تشکیلاتی موسوم به اداره املاک و مستغلات پهلوی زیر نظر دربار آغاز نمود. اداره مزبور ضمن بهره‌برداری از «عواید نقد و جنس» املاک و مستغلات شاه، به کار محدود خیریه در حوزه بهداشت و درمان و فرهنگ اشتغال یافت (مُتَمَّا، ش ب: ۰-۰-۲۶۴۳-۱۹۵؛ ۰-۰-۲۶۱۱-۱۹۵، ۰-۰-۷۹۴-۳۰۳۷-۶ع). فعالیت‌های اداره املاک و مستغلات پهلوی همچنان بعد از کودتای مرداد ۱۳۳۲ ش که موقعیت شاه و حکومتش تثبیت شد ادامه یافت، تا اینکه شاه در فروردین سال ۱۳۳۷ ش فرمان تأسیس سازمانی خیریه با نام «بنیاد پهلوی» را صادر کرد و قسمتی از اموال خود (عمدتاً هتل‌ها) را برای اجرای «مقاصد خیر خواهانه» از جمله «توسعه و پیشرفت بهداشت عمومی و فرهنگ و آموزش و پرورش و کمک به مستمندان و امور خیریه و عام‌المنفعه» در اختیار این سازمان قرار داد (مُتَمَّا، ش ب: ۸۵-۲۱۰۱-۱۹۵؛ مَرَّاسان، ش ب: ۲-۱۸۶۶، ۴-۱۸۶۶، صفحات ۱۴-۱۵). شاه در سال ۱۳۴۰ نیز با صدور فرمانی دیگر تمام اموال خود را به صورت مادام‌العمر وقف کرد. براساس این فرمان وی املاک، هتل‌ها، چند شرکت سهامی، که تا آن تاریخ تأسیس کرده بود، و برخی از اموال دیگر خود را به عنوان سرمایه وقفی در اختیار بنیاد پهلوی قرار داد. شاه در این فرمان علت وقف اموال خود را تحقق اهداف پنجگانه خیریه: «بهداشت، توسعه فرهنگ، کمک به مستمندان، کمک به امور مذهبی، کمک به امور اجتماعی» ذکر کرده و ورود بنیاد پهلوی به عنوان متولی اموال خود را به فعالیت‌های اقتصادی فقط برای تأمین مالی اهداف مذکور «مجاز» دانست (مُتَمَّا، ش ب: ۰-۱-۱۶۵۵-۱۹۵؛ ۰-۹۴-۲۰۲۲-۷۹۴ع).

هرچند شاه با وقف مادام‌العمر اموال خود به دنبال ایجاد مأمونی برای ثروت شخصی خود در برابر افکار عمومی و محلی برای تمرکز و توسعه دارایی‌هایش بود (آبراهامیان، ۱۳۹۲: ۲۳۳؛ گراهام، ۱۳۵۸: ۱۹۷)، اما نیت وی از تأسیس بنیاد خیریه و سپردن اموال خود به آن تنها اهداف انتفاعی و مالی نبود؛ بلکه در این وقف و تأسیس بنیاد خیریه، شخصیت و روحیات شاه و نیز تحولات اقتصادی نیمه دوم دهه ۱۳۳۰ش تأثیرگذار بوده است. پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ش و تثبیت موقعیت شاه و حکومتش، برنامه هفت‌ساله دوم توسعه (۱۳۳۴-۱۳۴۱ش) آغاز شد. در پی افزایش عواید نفت و کمک‌های مالی آمریکا و همچنین سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌هایی که در برنامه دوم انجام شد برنامه‌های عمرانی، اقتصادی و صنعتی در کشور به اجرا گذاشته شد که پیش از آن سابقه نداشت (ابتهاج، ۱۳۷۱: ۳۶۲/۱-۳۷۵؛ مهران، ۱۳۹۴: ۳۶؛ کاتوزیان، ۱۳۷۴: ۲۴۷-۲۴۸). خود شاه نیز درباره‌ی این برهه از تاریخ ایران گفته است پس از «قیام ملی ۲۸ مرداد» ۱۳۳۲ش و با برنامه‌ریزی‌های انجام‌شده مقدمات «جهش بزرگ» اقتصادی و «تمدن بزرگ» آغاز شد که با اعلام انقلاب سفید در بهمن ۱۳۴۱ش پا به «مرحله قاطعی» گذاشت (پهلوی، ۲۵۳۶: ۸۱). در برنامه‌های دوم و سوم توسعه (۱۳۴۲-۱۳۴۶)، میل به صنعتی کردن سریع ایران و فکر دخالت دولت در اقتصاد در بین شاه، نخبگان سیاسی و برنامه‌ریزان اقتصادی حکومت پهلوی فراگیر بود و برنامه‌ریزی‌های اقتصادی در برنامه‌های توسعه تحت تأثیر این امیال صورت می‌گرفت (لیلاز، ۱۳۹۲: ۶۷-۶۸؛ کاتوزیان، ۱۳۷۴: ۲۸۲ و ۳۰۰). هم‌زمان با این تحولات اقتصادی، شاه برای خود «مأموریت» الهی قائل بود که براساس آن خود را موظف می‌دید جامعه ایرانی را به سوی رشد و اعتلای فرهنگی و اقتصادی پیش ببرد. او در این دوران خود را پدری خیر برای جامعه می‌دید که می‌بایست از راه‌های گوناگون، از جمله تأسیس «مؤسسات خیریه و اجتماعی»، «در بهبود وضع مردم کشور و مخصوصاً طبقه معمولی کوشش» کند (پهلوی، ۱۳۴۷: ۳۳-۳۵ و ۹۵؛ همو، ۱۳۴۵: ۳، ۱۲-۱۶ و ۲۹-۳۰). در همین تحولات اقتصادی کشور و احوال شخصی شاه بود که وی بنیاد پهلوی تازه تأسیس را تجدید سازمان کرد و تمام اموالش را در قالب وقف در اختیار این سازمان قرار داد. با انتقال این سرمایه‌های بزرگ به بنیاد خیریه پهلوی، از یک طرف «مطامع مادی» شاه تحقق می‌یافت و از طرف دیگر منابع مالی جهت مقاصد خیریه و عام‌المنفعه‌ای که شاه در نظر داشت، تأمین می‌شد (میلانی، ۲۰۱۳: ۳۲۲). ولی مهم‌تر از آن‌ها، تشکیل بنیاد اقتصادی قدرتمند این امکان را برای شاه فراهم می‌ساخت تا از طریق آن در هدایت جریان توسعه صنعتی که در برنامه‌های توسعه حکومت پهلوی پیش‌بینی شده بود، اثرگذار باشد. شاه این اثرگذاری و مداخله را از طریق سرمایه‌گذاری‌های گسترده در طرح‌های صنعتی و اقتصادی جدید و مهم انجام

داد(اشرف احمدی، ۱۳۵۰: ۴۹۴-۴۹۵؛ مُتَمَّا، ش.ب: ۷۱-۱۰۱-۲۱۰-۱۹۵ب)؛ کاری که در دهه ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ به طور گسترده و حتی در برخی موارد به طور انحصاری در برخی از حوزه‌های اقتصادی انجام شد و حتی منجر به حاشیه‌راندن نقش دولت (قوه مجریه) در برخی حوزه‌ها می‌شد (نراقی، ۱۳۷۲: ۹۲-۹۳).

بنیاد پهلوی و حوزه‌های سرمایه‌گذاری اقتصادی

بانکداری و بیمه

در دهه ۱۳۳۰ش و مطابق با برنامه دوم توسعه فعالیت‌های بانکی و مالی توسعه یافت و بر تعداد بانک‌های دولتی و خصوصی افزوده شد. با وجود این، تحولات اساسی در شبکه بانکی ایران با تأسیس بانک مرکزی در سال ۱۳۳۹ش آغاز شد (مهران، ۱۳۹۴: ۴۳-۵۷). به دنبال تأسیس بانک مرکزی و آغاز انقلاب سفید، حکومت پهلوی در دهه ۱۳۴۰ش برای پیشرفت سریع اقتصادی طبق برنامه‌های توسعه، با جدیت به دنبال اجرای سیاست‌های پولی و مالی توسط بانک‌ها بود. در دهه مزبور و مطابق برنامه سوم توسعه، تعداد بانک‌ها به ۲۶ بانک افزایش پیدا کرد و شبکه بانکی به سرعت توسعه یافت. بانک‌ها در دهه مزبور با سیاست‌گذاری‌ها و هدایت دولت و بانک مرکزی نقش مؤثری در تأمین منابع مالی مورد نیاز جهت سرمایه‌گذاری‌های گسترده صنعتی و اقتصادی در نتیجه رشد سریع اقتصادی و توسعه صنعتی ایفا نمودند («بانک‌های خصوصی و توسعه اقتصادی»، ۱۳۵۱: ۴۰). در میان بانک‌های کشور بانک‌های تخصصی نقش مهمی را در توسعه سریع صنعتی از طریق اعطای وام به بخش خصوصی در پروژه‌های بزرگ صنعتی، معدنی، ساختمانی، بازرگانی دریایی و توریستی برعهده داشتند (عالیخانی، ۱۳۸۱: ۸۲-۸۳)؛ کارنامه بانکداری کشور در نخستین دهه انقلاب شاه و ملت، ۱۳۵۱: ۲۷-۲۸ و ۳۵). در میان بانک‌های تخصصی به جز «بانک اعتبارات صنعتی» وابسته به سازمان برنامه و بودجه، «بانک توسعه صنعتی و معدنی ایران» (تأسیس ۱۳۳۸ش) کلیدی‌ترین نقش را در توسعه اقتصادی و اعطای وام به بخش خصوصی در حوزه‌های اقتصادی و صنعتی برعهده داشت. این بانک خصوصی منابع مالی بسیاری در اختیار داشت و غیر از اعطای وام به صاحبان صنایع، خود نیز در سرمایه‌گذاری‌های صنعتی مشارکت می‌نمود (عالیخانی، ۱۳۸۱: ۸۲ و ۲۵۵). جعفر شریف‌امامی که در زمان تأسیس بانک مزبور، وزیر صنایع و معادن بود و در سال‌های ۱۳۴۱ تا ۱۳۵۷ش نیابت تولیت بنیاد پهلوی را برعهده داشت، در تأسیس این بانک نقش مؤثری داشت. نکته بسیار مهم این که وی هم‌زمان هم نایب‌التولیه بنیاد پهلوی بود و هم رئیس هیئت‌مدیره بانک مزبور (شریف‌امامی، ۱۳۸۰: ۱۸۱-۱۸۳)؛

«بانک‌های تخصصی و توسعه تولید در ایران»، دی ۱۳۴۴: ۵۲۰-۵۲۶؛ کارنامه بانکداری کشور در نخستین دهه انقلاب شاه و ملت، ۱۳۵۱: ۳۸-۳۹ و ۴۶).

تحولات اقتصادی و صنعتی که شبکه بانکی در توسعه و جهت‌دهی آن نقش مهمی داشت، برای بنیاد پهلوی به‌عنوان یک سازمان اقتصادی قدرتمند و نماینده شاه، شرایط استثنائی به‌وجود آورد. پیش از تأسیس بنیاد پهلوی، اداره املاک و مستغلات پهلوی به منابع قابل توجهی از درآمدهای املاک، مستغلات، هتل‌ها، برخی کارخانه‌ها دسترسی داشت. هرچند همه این منابع مالی پس از وقف اموال شاه به بنیاد مذکور منتقل گشت، اما این منابع تکافوی برنامه‌های اقتصادی این بنیاد را، که تحت تأثیر افکار جاه‌طلبانه شاه درباره «جهش» اقتصادی و صنعتی بود، نمی‌کرد. این امر باعث گردید بنیاد پهلوی منابع مالی برای طرح‌های اقتصادی خود و تأسیس شرکت‌های سهامی گوناگون جدید را، که جزو رئوس برنامه‌های توسعه صنعتی شاه و حکومت پهلوی بود، علاوه بر منابع قدیم از راه‌های دیگر تأمین کند. یکی از این راه‌ها استقراض وام از بانک‌های خارجی بود که بنیاد پهلوی از ابتدای تأسیس این سیاست را تعقیب نمود (مُتَمَّا، ش ب: ۱۱-۱۲۲-۲-۳ ح، ۱۱-۱۲۲-۲-۱۲۳ ح، ۱۱-۱۲۵-۵۵-۱۵۵۶-۱۹۵ ب).

بنیاد پهلوی، از اعتبارات و وام‌های شبکه بانکی داخلی که در برنامه سوم توسعه (۱۳۴۱-۱۳۴۶) به بعد در راستای توسعه سریع صنعتی به بخش خصوصی اعطا می‌شد (مهران، ۱۳۹۴: ۱۸۲-۱۸۶؛ لیلاز، ۱۳۹۲: ۱۱۴) نیز بسیار استفاده کرد. علاوه بر انتساب بنیاد به شاه، مهم‌ترین عامل تسهیل‌کننده استفاده بنیاد پهلوی از منابع مزبور، شریف‌امامی نایب‌التولیه بنیاد پهلوی بود که علاوه بر تبحر در امور مالی و نفوذ در شبکه بانکی، ریاست هیئت‌مدیره بانک توسعه صنعتی و معدنی را برعهده داشت. این شرایط و موقعیت استثنائی، دریافت وام برای بنیاد پهلوی را در راستای توسعه سرمایه‌گذاری‌های صنعتی و اقتصادی‌اش در حوزه‌های موردنظر شاه تسهیل می‌کرد. بنیه مالی به‌وجودآمده، باعث شد بنیاد پهلوی در کسوت بخش خصوصی سهام‌شمار زیادی از شرکت‌های بزرگ صنعتی و اقتصادی را که بانک توسعه صنعتی برای تأسیس یا توسعه آن‌ها بدان‌ها وام پرداخت کرده بود خریداری کند. این بنیاد حتی با کمک و یا با مشارکت بانک توسعه صنعتی از بانک‌های خارجی مختلفی درخواست وام می‌کرد و از طرف دیگر، در سرمایه‌گذاری‌های اختصاصی بانک توسعه صنعتی نیز مشارکت می‌کرد (مُتَمَّا، ش ب: ۰-۱۹۶۶-۱۹۵؛ همان، ش ب: ۰-۵۰۷۷-۱۹۵ ب، ۰-۱۶۹۹-۱۹۵ ب، ۰-۱۷۲۵-۱۹۵ ب، ۰-۱۵۹۰-۱۹۵ ب). افزون بر بانک مزبور بنیاد پهلوی برای سرمایه‌گذاری در سهام شرکت‌های مختلف و یا توسعه فعالیت‌های اقتصادی خود از بانک‌های داخلی دیگری نیز استقراض می‌کرد (همان، ش ب: ۱۸-۳-۲-۶۵۷۸ ص).

علاوه بر اخذ وام و تسهیلات مالی از بانک‌های ایرانی و خارجی برای توسعه فعالیت‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری‌ها، بنیاد پهلوی با توجه به رشد صنعت بانکداری و سودآوری آن در ایران، یکی از حوزه‌های سرمایه‌گذاری خود را سرمایه‌گذاری در امور بانکی و مالی و سهام بانک‌ها قرار داد، که از جمله این بانک‌ها می‌توان به «بانک شهریار»، «بانک صنایع ایران» و «بانک ایران و انگلیس» اشاره کرد («بانک شهریار و نقش آینده آن...»، شماره ۹۶، اسفندماه ۱۳۵۱، بدون شماره صفحه؛ مئما، ش: ۰-۱۸۴۸-۱۹۵-ب).

علاوه بر سرمایه‌گذاری‌های بنیاد پهلوی در سهام بانک‌های مختلف، مهم‌ترین فعالیت بانکداری بنیاد پهلوی به صورت مستقیم «بانک عمران و تعاون روستایی» بود که تمامی سهام آن متعلق به بنیاد بود. این بانک از لحاظ نوع مالکیت در شمار بانک‌های خصوصی - چون متعلق به شخص شاه بود - و به لحاظ نوع فعالیت از نوع بانک‌های تجاری به‌شمار می‌آمد («بانک و بانکداری در ایران»، اردیبهشت ۱۳۳۸: ۳۵). رئیس هیئت‌مدیره این بانک نیز همانند دیگر سازمان‌های تابع بنیاد پهلوی، نایب‌التولیه این بنیاد بود. محمدرضا شاه این بانک را در سال ۱۳۳۱ برای اجرای برنامه تقسیم املاک سلطنتی و توسعه امور کشاورزی در املاک تقسیم‌شده تأسیس نمود (مئما، ش: ۴۳-۶۵۹-۱۱۸). تا سال ۱۳۴۰ ش عمده‌ترین فعالیت این بانک را همین برنامه تشکیل می‌داد (ماهنامه اطاق بازرگانی تهران، تیر ۱۳۳۸: ۵). پس از وقف اموال شاه در سال ۱۳۴۰ ش، کلیه سهام بانک عمران طبق دستور شاه به بنیاد پهلوی واگذار شد (کارنامه بانکداری کشور در نخستین دهه انقلاب شاه و ملت، ۱۳۵۱: ۶۸). از این تاریخ به بعد، بانک عمران هم‌زمان با جریان توسعه صنعتی ایران، ضمن توسعه تشکیلات خود و جذب سپرده‌های مردم، زیر نظر بنیاد پهلوی فعالیت‌های تجاری و اقتصادی خود را مطابق با برنامه‌های شاه در حوزه‌های عمرانی، اقتصادی و صنعتی از قبیل خانه‌سازی، صنعت، کشاورزی، هتل‌داری و غیره آغاز کرد و نقش مؤثری در اجرای طرح‌های بزرگ صنعتی و اقتصادی ایفا نمود (بیگدلی‌مقتدر، مهر ۱۳۴۹: ۱۳۸؛ تهران اکونومیست سالانه، فروردین ۱۳۴۳: ۱۲۸-۱۲۹). مهم‌ترین سرمایه‌گذاری‌های این بانک در دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ ش در حوزه‌های مسکن و احداث شهرک‌های جدید، ویلاسازی، هتل‌سازی و تأسیسات توریستی بود که همگی این طرح‌ها با حمایت، نظارت و دستورالعمل‌های شخص شاه انجام می‌شد («عظیم‌ترین طرح شهرسازی...»، اسفند ۱۳۵۱: ۹؛ «هتل‌سازی هایت در ایران»، ۱۳ بهمن ۱۳۵۲: ۱۷؛ علم، ۱۳۷۷: ۶/۶۲). از جمله پروژه‌های بسیار هزینه‌بردار این بانک مشارکت و سرمایه‌گذاری در طرح‌های توریستی و عمرانی جزیره کیش بود که با نظارت مستقیم شاه و اسدالله علم فاز اول و بخشی از فاز دوم آن را با الگو قراردادن جزایر هاوایی و کرانه‌های

جنوبی دریای مدیترانه، با هزینه زیادی احداث کردند (علم، همان: ۲۵۱/۲ و ۳۹۷-۳۹۸؛ ۳/۸۲؛ ۲۵۴/۴؛ ۲۹۱/۵؛ ۴۹۹/۶).

بنیاد پهلوی در زمینه صنعت نوپای بیمه نیز از طریق شرکت سهامی بیمه ملی وارد فعالیت شد. شاه شرکت مزبور را در سال ۱۳۳۵ با سرمایه ۵۰ میلیون ریال تأسیس کرد و پس از وقف دارایی هایش آن را نیز همانند سایر شرکت‌ها به بنیاد پهلوی واگذار نمود. شرکت بیمه مزبور در زمینه بیمه‌های عمر، آتش سوزی، باربری، حوادث، اتومبیل و غیره فعالیت می‌کرد (مُتْمَا، ش:ب: ۱۲۳-۳۰۷۲-۳۰، ۹۴-۲۱۰۴-۱۹۵ ب).

صنعت و معدن

پس از سیاست‌گذاری‌های اقتصادی در قالب برنامه دوم توسعه و رشد و توسعه شبکه بانکی، که زمینه‌های پیشرفت اقتصادی در سایر حوزه‌ها را فراهم کرد، دیگر عرصه‌ها نیز شروع به پیشرفت کرد. یکی از این عرصه‌ها بخش صنعت و معدن بود که توسعه آن بسیار مورد توجه شاه و دولتمردان پهلوی قرار داشت. در جریان برنامه دوم، سرمایه‌گذاری در بخش صنایع و معادن بیش از پیش مورد توجه حکومت پهلوی قرار گرفت و سیاست توسعه صنعتی کشور عمدتاً متوجه تقویت صنایع و اجرای برنامه‌های صنعتی توسط بخش دولتی و خصوصی گردید (شریف‌امامی، ۱۳۸۰: ۱۷۵-۱۷۷). پرداخت وام‌های صنعتی توسط دولت و یا با نظارت دولت از طریق بانک‌های خصوصی و دولتی به ویژه بانک ملی ایران، بانک اعتبارات صنعتی و بانک توسعه صنعتی و معدنی را باید یکی از مهم‌ترین اقدامات حکومت پهلوی در این دوره برای توسعه صنعتی کشور به‌شمار آورد که باعث رشد بخش صنعت و معدن ایران شد (نصیری و جهانشاهی، ۱۳۳۸: ۲۹۶؛ مُتْمَا، «نقش صنعت در توسعه اقتصادی کشور»، وزارت صنایع و معادن، ۱۳۴۱ ش، ش:ب: ۴۱-۲-۸۳۲؛ هانسن، بهار ۱۳۵۴: ۱۹-۵۶). از برنامه سوم توسعه (۱۳۴۲-۱۳۴۶) توجه و تمرکز بیشتری به بخش صنعت و معدن شد و دولت اعتبارات تخصیص یافته به این حوزه را افزایش داد. این سرمایه‌گذاری‌ها منجر به پیشرفت سریع‌تر بخش صنعتی و بالتبع افزایش تعداد شرکت‌های صنعتی در ایران در دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ ش شد (عالیخانی، ۱۳۸۱: ۸۸-۱۰۰؛ لیلاز، ۱۳۹۲: ۱۰۸-۱۱۰ و ۱۹۶؛ کاتوزیان، ۱۳۷۴: ۳۲۴-۳۲۸). شاه که صنعت را «پیشروترین بخش اقتصاد ما» می‌خواند رشد سریع این حوزه در دو دهه مزبور را به یک «جهش بزرگ» و «استثنایی» تعبیر می‌کرد (پهلوی، ۲۵۳۶: ۸۱ و ۱۰۰).

رشد روزافزون اقتصادی و ضرورتی که حکومت پهلوی برای تأسیس کارخانجات و شرکت‌های سهامی جدید در حوزه‌های خدماتی، بازرگانی و صنعتی و معدنی احساس می‌کرد،

باعث شد شاه و بنیاد پهلوی هم‌زمان با شروع توسعه صنعتی کشور از برنامه دوم و سیاست اعطای وام‌های صنعتی به بخش خصوصی، بخش عمده‌ای از فعالیت‌ها و سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی خود را در حوزه صنایع متمرکز کنند. در همین راستا بنیاد پهلوی در دهه‌های ۱۳۴۰-۱۳۵۰ش برخی از شرکت‌ها و کارخانه‌های سهامی جدید را تأسیس کرد و یا سهام بسیاری از شرکت‌ها و کارخانجات صنعتی را در دست خود گرفت. بنیاد پهلوی معمولاً در پروژه‌های صنعتی بزرگ سرمایه‌گذاری می‌کرد. پیش از این ذکر شد که بانک توسعه صنعتی وام‌های صنعتی زیادی برای پروژه‌های بزرگ صنعتی بخش خصوصی پرداخت کرد. سرمایه‌داران بخش خصوصی و بنیاد پهلوی «پروپوزال»های پروژه‌های صنعتی و کارخانجات بسیاری را جهت درخواست وام به این بانک ارائه کردند (مُتْمَا، ش:ب: ۰-۰-۱۹۷۴-۱۹۵؛ ۰-۰-۱۶۸۵-۱۹۵؛ ۰-۰-۱۷۰۹-۱۹۵-ب). شریف‌امامی که همچون شاه و بسیاری از دولتمردان این دوره علاقه وافری به رشد بخش صنعت داشت (شریف‌امامی، ۱۳۸۰: ۱۸۲)، در بسیاری موارد به‌ویژه در مورد شرکت‌ها و کارخانجات بزرگ صنعتی، گزارش وضعیت و عملکرد آن‌ها را به دفتر مخصوص شاهنشاهی ارسال می‌کرد. با توجه به سرمایه‌گذاری گسترده بنیاد پهلوی در شرکت‌ها و کارخانه‌های صنعتی در دهه‌های ۱۳۴۰-۱۳۵۰ش و نیز با عنایت به خرید و فروش و یا واگذاری سهام بنیاد در این شرکت‌ها، ارائه صورت کامل و دقیقی از تمام کارخانه‌ها و شرکت‌های بنیاد پهلوی دشوار است.^۱

دو نمونه از مهم‌ترین صنایعی که بنیاد در آن‌ها سرمایه‌گذاری کرده بود و در توسعه آن‌ها نقش مهمی داشت، صنعت سیمان و صنعت قند و شکر بود. صنعت سیمان یکی از بزرگ‌ترین صنایع ایران در دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ش بود که برنامه‌های عمرانی و زیرساختی ایران از قبیل سدسازی و ساختمان‌سازی بدان متکی بود (عاطفی‌پور، آذر ۱۳۴۸: ۸۲). با توجه به ضرورت توسعه این بخش، بنیاد پهلوی نیز در این حوزه نفوذ و اقتدار خود را همانند سایر حوزه‌ها با خط‌مشی‌های شاه گسترش داد و در برخی از کارخانجات سیمان به صورت سهام‌دار عمده و یا مالک کل وارد عمل شد. به‌طور کلی بنیاد پهلوی از میان ۹ کارخانه‌ای که در سال ۱۳۴۸ مشغول به فعالیت بودند در پنج کارخانه دارای سهام عمده بود («ایجاد شبکه توزیع سیمان»، ۱۳۴۹: بدون شماره صفحه؛ مُتْمَا، ش:ب: ۰-۰-۱۹۶۷-۱۹۵، ۰-۰-۵۳۲۵-۱۹۵، ۰-۰-۵۴۱۴-۱۹۵، ۰-۰-۱۹۵-ب). (۱۹۵-۵۴۱۱-ب).

۱. برای آگاهی بیشتر از این شرکت‌ها و کارخانجات از جمله ایرانیت، جنرال موتورز ایران، مونتکس ایران، لاستیک‌سازی بی‌اف گودریچ و غیره، رک: مُتْمَا، ش:ب: ۰-۰-۱۳۶۱-۱۹۵؛ ۰-۰-۲۱۹۵-۱۹۵؛ ۰-۰-۱۸۴۸-۱۹۵؛ ۰-۰-۱۶۸۸-۱۹۵؛ ۰-۰-۴۹۵۷-۱۹۵؛ ۰-۰-۵۳۱۹-۱۹۵-ب.

از دیگر صنایع مهم دوره پهلوی، صنعت قند و شکر بود که صنایع غذایی وابسته به آن بود، به همین دلیل در زمره صنایع اساسی ای به شمار می‌رفت و نیازمند توسعه و سرمایه‌گذاری بود (شریف‌امامی، ۱۳۸۰: ۱۷۹). با سرمایه‌گذاری‌های دولت و بخش خصوصی در صنعت قند، تولید قند و شکر در دهه ۱۳۳۰ افزایش پیدا کرد («نمو اقتصادی در کشورهای توسعه‌نیافته»، ۴ تیر ۱۳۳۸: ۳۶). با افزایش جمعیت در دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ و توسعه و رشد اقتصادی کشور به ویژه توسعه صنایع غذایی، مصرف قند و شکر افزایش پیدا کرد و موجب افزایش کارخانجات قند در ایران شد («توسعه صنعت قند در ایران (۱)»، دی ۱۳۵۳: ۲۸). با توجه به ضرورت توسعه این صنعت و از طرف دیگر سودآوری آن، بنیاد پهلوی در صنعت مزبور به سرمایه‌گذاری گسترده پرداخت، به طوری که بنیاد مزبور در اواخر حکومت محمدرضا شاه از میان قریب چهل کارخانه قند و شکر، سهام عمده ۹ کارخانه بزرگ را در اختیار داشت (مُتَمَّا، ش:ب: ۸۷-۲۱۶۰-۱۹۵ب، ۳۱-۱۸۶۴-۱۹۵ب).

حمل و نقل و بازرگانی دریایی

یکی دیگر از حوزه‌هایی که شاه از طریق بنیاد پهلوی در آن به سرمایه‌گذاری پرداخت، حمل و نقل دریایی بود. با رشد و توسعه صنعتی ایران در دهه ۱۳۴۰ و افزایش واردات، روزبه‌روز بر ضرورت توسعه بخش بازرگانی دریایی ایران و افزایش کشتی‌ها و ظرفیت اسکله‌ها و بنادر برای بارگیری و تخلیه کالاها افزوده می‌شد. به همین علت در این سال‌ها توسعه این حوزه مورد توجه حکومت پهلوی قرار گرفت (صدرزاده، ۱۳۴۶: ۲۷۷ و ۵۷۰). با توجه به همین ضرورت‌ها بود که «شرکت سهامی کشتیرانی ملی آریا» در ۱۳۴۶ش تأسیس شد و روزبه‌روز بر ظرفیت کشتی‌های تجاری ایران افزوده شد. شاه که بر این حوزه همانند سایر حوزه‌های توسعه نظارت داشت، در اوایل دهه ۱۳۵۰ش دستور داد ظرفیت حمل و نقل دریایی کالاها افزایش یابد («مصاحبه با مهندس رضا شایگان، مدیر عامل کشتیرانی ملی آریا»، آبان ۱۳۵۱: ۴۹-۴۸). خود او پیش از این در سال ۱۳۳۵ش، «شرکت ملی سهامی نفت کش ایران» را با توجه به نیاز ایران به صادرات نفت به وجود آورده بود. وی ضمن صدور دستور منع تدریجی صادرات نفت توسط کشتی‌های نفت کش خارجی، سهام آن را پس از وقف اموالش به بنیاد پهلوی واگذار کرد. در نیمه دوم دهه ۱۳۳۰ش با افزایش تولید و صادرات دریایی نفت، که نیاز به نفت کش‌های غول‌پیکر جدید افزایش یافت، شرکت ملی نفت کش ایران به تدریج اقدام به خرید نفت کش برای حمل فرآورده‌های نفتی کرد. برای خرید این نفت کش‌ها از شبکه بانکی کشور استقراض شده بود. نخستین نفت کش‌های شرکت ملی نفت کش که چهار فروند بودند در سال‌های ۱۳۳۷-۱۳۳۸ش خریداری شدند (مُتَمَّا، ش:ب: ۰-۵۳۱۷-۱۹۵ب؛ علم، ۱۳۷۷: ۱/ ۳۶۴-۳۶۵).

علاوه بر نفت کش‌های مزبور و هم‌زمان با تأسیس شرکت ملی نفت کش، شاه شرکتی به نام «شرکت کشتیرانی حمل و نقل خلیج» جهت حمل و نقل کالاها در خلیج فارس تأسیس کرد. این شرکت فعالیت در عرصه حمل و نقل دریایی را با خرید دو فروند کشتی باری با نام‌های پرسپولیس و پارس آغاز کرد. پس از اعلام فرمان وقف اموال شاه در سال ۱۳۴۰ش، شرکت ملی نفت کش و شرکت کشتیرانی خلیج همانند مؤسسات دیگر به بنیاد پهلوی واگذار گردیدند و شریف‌امامی نایب‌التولیه بنیاد پهلوی (۱۳۴۱-۱۳۵۷) از طرف شاه به ریاست هیئت‌مدیره آن‌ها منصوب شد (مراسان، ش.ب: ۱۴-۱۸۶۷، ص ۲۳-۲۸؛ ۱۵-۱۸۶۷، ص ۲۹-۳۱ و ۵-۱۸۶۷، ص ۸-۱۰). علاوه بر شرکت‌های مذکور، در دوره نیابت شریف‌امامی بر موقوفات محمدرضاشاه، با ضرورتی که حکومت پهلوی برای توسعه حمل و نقل دریایی و واردات کالاها احساس می‌کرد، بنیاد پهلوی نیز همگام با دولت (قوه مجریه) فعالیت‌های خود را در این زمینه گسترش داد و زیر نظر شاه در چند شرکت کشتیرانی جدید سرمایه‌گذاری کرد، که از جمله آن‌ها می‌توان به «شرکت سهامی دریانوردی خرمشهر» و «شرکت سهامی کشتیرانی جنوب» (ایران لاین) اشاره کرد که با کشتی‌های خود تا پایان حکومت پهلوی، محموله‌های صنعتی مهمی را حمل نمودند (مُتَمَّا، ش.ب: ۰-۰-۰-۴۹۶۲-۱۹۵؛ تهران اکونومیست، شماره ۹۳۷، مورخه ۳۰ اردیبهشت ۱۳۵۱، «کارنامه درخشان کشتیرانی جنوب (ایران لاین)»، ص ۳۰).

به‌طور کلی در دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ش شرکت کشتیرانی آریا و شرکت‌های کشتیرانی بنیاد پهلوی و نیز نفتکش‌های آن، حمل و نقل دریایی جنوب ایران را در انحصار خود گرفتند. این شرکت‌ها متعلق و یا تحت حمایت ویژه شخص شاه بودند. شاه نه تنها از این شرکت‌ها برای حمل محموله‌های عادی نفتی و بازرگانی مورد نیاز کشور استفاده می‌کرد، بلکه از آن‌ها برای واردات محموله‌های سربّی نظامی خریداری شده نیز استفاده می‌کرد (مُتَمَّا، ش.ب: ۶۴-۱۶۵۵-۱۹۵، ص ۷۲-۱۶۵۵-۱۹۵، ص ۵۶-۱۶۵۵-۱۹۵). در حمل مواد و فرآورده‌های نفتی جنوب نیز بنیاد پهلوی از طریق شرکت حمل و نقل خلیج و شرکت نفتکش ملی ایران سهم مهمی داشت (مُتَمَّا: ۰-۰-۰-۵۳۲۱-۱۹۵؛ ۰-۰-۰-۵۳۱۷-۱۹۵؛ ۰-۰-۰-۱۶۴۵-۱۹۵؛ ۰-۰-۰-۲۱۰۱-۱۹۵؛ ۰-۰-۰-۲۱۱۶-۱۹۵؛ ۰-۰-۰-۴۹۶۲-۱۹۵). در این دوره بنیاد پهلوی با شرکت‌های حمل و نقلی که مالک آن‌ها و یا سهامدار عمده آن‌ها بود در جابه‌جایی محموله‌های نفتی و غیرنفتی ایران و در مجموع رشد و توسعه حمل و نقل دریایی در جنوب ایران نقش مهمی ایفا می‌کرد و قاعدتاً سود زیادی نیز از این راه عاید آن می‌شد. این بنیاد با خط‌مشی‌ها و دستورات شاه در کنار سازمان بنادر و کشتیرانی و شرکت ملی نفت ایران، بازرگانی و حمل و نقل دریایی ایران را در دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ در انحصار خود

گرفتند و در مدیریت و توسعه بازار تجارت حمل و نقل مواد نفتی و کالاهای غیرنفتی در خلیج فارس نقش مهمی ایفا می کردند.

توریسم و هتل داری

یکی دیگر از عرصه‌هایی که در دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ ش توسعه پیدا کرد، صنعت توریسم بود. با توجه به اهمیت بخش توریسم در افزایش درآمد ملی و نقش آن در توسعه اقتصادی، حکومت پهلوی از برنامه سوم توسعه برنامه‌ریزی‌ها و اقدامات گسترده‌ای را در این بخش انجام داد (معصومی، ۱۳۸۷: ۵۳-۶۷؛ تقی‌زاده‌انصاری، ۱۳۸۳: ۷۲-۷۶). در سال ۱۳۴۲ ش «سازمان جلب سیاحان» تأسیس شد و به احداث زیرساخت‌ها و تأسیسات لازم برای جذب جهانگرد خارجی اقدام گردید. همین اقدامات باعث افزایش درآمد ارزی ایران از صنعت توریسم در دهه ۱۳۴۰ ش شد (تهران‌اکنونیست، ۱۹ مرداد ۱۳۴۷: ۳۱؛ همان، ۱۲ اردیبهشت ۱۳۴۹: ۲۱). سودآوری این صنعت منجر به توجه بیشتر حکومت پهلوی به توسعه جهانگردی و افزایش تأسیسات توریستی در دهه ۱۳۵۰ و به ویژه در برنامه پنجم توسعه (۱۳۵۲-۱۳۵۶) شد («اولین ثمره همکاری دولت با بخش خصوصی»، ۱۸ دی ۱۳۳۵: ۱۶). توسعه بخش توریسم و افزایش شمار ورود جهانگردان به ایران پای شرکت‌های معروف هتل داری و هتل سازی جهان را به ایران باز کرد که از جمله آن‌ها می توان به شرکت‌های «هیلتون»، «آریا شرایتون» و «هایت» اشاره کرد (قراسان، ش: ۲-۱۸۷۶، ص: ۵؛ مٹما، ش: ۰-۰-۵۱۷۷-۱۹۵ ب).

بنابراین با توجه به ضرورت توسعه این صنعت جدید برای حکومت پهلوی، بنیاد پهلوی به نمایندگی از شاه وارد این حوزه شد. البته شاه پیش از تأسیس بنیاد پهلوی خود صاحب هتل‌هایی بود که به دستور رضاشاه ساخته شده بودند. پس از تأسیس بنیاد پهلوی در سال ۱۳۳۷ ش با هدایت شاه این بنیاد کار ساخت هتل‌های جدید را در شهرهای شمالی و شهر تهران و سایر نقاط توریست‌پذیر آغاز کرد (اسنادی از صنعت جهانگردی در ایران، ۱۳۸۰: اسناد ۱۳۰ و ۱۳۰/۱: ۳۹۸/۱-۴۰۳؛ نیز اسناد ۱۴۹ و ۱۵۰: ۴۹۶/۲-۵۰۶). یکی از طرح‌های بنیاد پهلوی که جزو بزرگ‌ترین طرح‌های هتل سازی ایران نیز بود، طرح ساخت هتل هیلتون بود. این هتل با سرمایه گذاری کمپانی بین‌المللی هیلتون تأسیس گردید. بنیاد پهلوی قرارداد ساخت این هتل را در اسفند سال ۱۳۳۸ ش با کمپانی مزبور منعقد ساخته بود (مٹما، ش: ۰-۰-۳۵۵۹-۱۹۵ ب، ۰-۰-۵۴۱۱-۱۹۵ ب). در بهمن ۱۳۴۱ این هتل با حضور شاه افتتاح شد. با ساخت این هتل، بنیاد پهلوی در اواخر سال ۱۳۴۲ صاحب ۲۰ هتل بود (همان، ش: ۸۸-۲۱۰۱-۱۹۵ ب). بنیاد پهلوی در دهه ۱۳۵۰ نیز

همگام با دولت و بخش خصوصی اقدامات خود را در زمینه توسعه و گسترش هتل‌ها افزایش داد. این بنیاد طرح توسعه هتل هیلتون را در دستور کار قرار داد. طرح دوم هتل هیلتون در سال ۱۳۵۱ به بهره‌برداری رسید (تهران‌اکنونیست، شماره ۹۴۵، ۲۴ تیر ۱۳۵۱: ۲۵). در سال ۱۳۵۶ کمپانی هیلتون با بنیاد پهلوی قرارداد ساخت سومین هتل هیلتون را با ظرفیت ۳۰۰ اتاق و در ۳۵ طبقه در کنار دو برج پیشین امضا کرد (همان، شماره ۱۲۰۶، ۲۵ تیر ۲۵۳۶، ص ۲۰). علاوه بر فعالیت مستقیم بنیاد پهلوی، بانک عمران وابسته به بنیاد پهلوی نیز در حوزه احداث و مدیریت تأسیسات جهانگردی همانند احداث هتل و مراکز اقامتی و تفریحی سرمایه‌گذاری گسترده‌ای کرده بود که پیش از این به گوشه‌ای از آن اشاره شد. در سال‌های پایانی حکومت شاه، بنیاد وی دارای شبکه گسترده‌ای از هتل‌ها در سرتاسر ایران بود و در توسعه و مدیریت بخش توریسم نقش قابل ملاحظه‌ای داشت (مُتَمَّا، ش ب: ۰-۲-۳۲۴۱-۱۲۴خ؛ گراهام، ۱۳۵۸: ۱۹۷).

مسکن و آپارتمان‌سازی

یکی از حوزه‌هایی که با افزایش جمعیت و ایجاد تحولات اساسی در جامعه به‌ویژه جامعه شهری به‌طور گسترده رشد پیدا کرد، حوزه مسکن، ساختمان‌سازی و شهرک‌سازی بود. افزایش نیاز به مسکن منجر به بروز مشکل کمبود مسکن و گرانی آن در دهه ۱۳۴۰ شده بود. این مسائل باعث شد تا در دهه مزبور بازار مسکن رونق فزاینده‌ای بگیرد و دولت آپارتمان‌سازی و شهرک‌سازی را در صدر توجه خود قرار دهد. پس از آن بود که آپارتمان‌سازی برای تأمین مسکن مردم با افزایش اعتبارات دولتی و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی روزبه‌روز افزایش یافت (آموزگار، آبان ۱۳۴۷: ۲ و ۶؛ تهران‌اکنونیست، شماره ۶۸۲، ۹ اردیبهشت ۱۳۴۶: ۴۰).

با توجه به نیاز روزافزون به مسکن و تلاش دولت برای تأمین آن، بنیاد پهلوی با هدایت شاه در این حوزه نیز مشارکت نمود و با توجه به بازار گرم آن از درآمد این حوزه نیز منتفع می‌شد. این بنیاد به اشکال مختلف در این حوزه سرمایه‌گذاری کرده بود. یکی از این اشکال، سرمایه‌گذاری مستقیم بنیاد پهلوی در حوزه مسکن به‌عنوان کارفرما بود که عمدتاً از طریق بانک عمران انجام می‌گرفت. یکی از مهم‌ترین طرح‌های بانک عمران در حوزه مسکن و شهرک‌سازی «طرح عمرانی غرب تهران» بود که در اراضی خوردین، فرحزاد و احمدآباد از سال ۱۳۴۸ش اجرا شد. براساس تصویب‌نامه هیئت وزیران اجرای آن طرح به عهده بنیاد پهلوی بود و بانک عمران به نمایندگی از طرف بنیاد پهلوی مجری این طرح بود (کارنامه بانکداری کشور در نخستین دهه انقلاب شاه و ملت، ۱۳۵۱: ص ۷۰). مرحله دوم شهرک‌سازی در مناطق مذکور از سال ۱۳۵۱ آغاز شد

«عظیم‌ترین طرح شهرسازی...»، اسفند ۱۳۵۱: ۹). تمام طرح‌های آپارتمان‌سازی و شهرک‌سازی بنیاد پهلوی در سطح شهر تهران با نظارت و هدایت شاه انجام می‌شد (علم، ۱۳۷۷، ۲۶۰/۴؛ همان: ۴۲/۵؛ مُتْمَا، ش:ب: ۰-۰-۱۳۸۶-۱۹۵، ۰-۰-۱۸۸۸-۱۹۵).

علاوه بر سرمایه‌گذاری مستقیم بنیاد پهلوی در بخش مسکن، این بنیاد سهام عمده چند شرکت بزرگ ساختمان‌سازی را نیز در اختیار داشت و از طریق این شرکت‌ها در حوزه مسکن و خانه‌سازی سرمایه‌گذاری می‌کرد. یکی از این شرکت‌ها، «شرکت خانه‌سازی اسکان ایران» بود که یکی از مهم‌ترین طرح‌های ساختمانی این شرکت به‌عنوان کارفرما برج‌های معروف سه‌گانه اسکان در تهران بود (مُتْمَا، ش:ب: ۰-۰-۵۳۲۳-۱۹۵؛ ۰-۰-۲۱۸۸-۱۹۵). یکی دیگر از مهم‌ترین شرکت‌های ساختمان‌سازی بنیاد پهلوی «شرکت سهامی آتی‌ساز» بود. شرکت مزبور آپارتمان‌ها، شهرک‌ها و مجتمع‌های مسکونی زیادی به‌ویژه در شهر تهران ساخت. مانند آپارتمان‌های اوین (همان، ش:ب: ۰-۰-۱۶۸۰-۱۹۵). شرکت آتی‌ساز در شهرهای شمالی نیز با نظارت بنیاد پهلوی و شاه شروع به ویلاسازی نمود که از مهم‌ترین پروژه‌های آن می‌توان به پروژه‌های ویلاسازی و شهرک‌سازی در دریاکنار (بابلسر)، زیباکنار (در رشت)، رامسر و چالوس و غیره اشاره نمود (همان، ش:ب: ۰-۰-۱۶۸۰-۱۹۵، ۰-۰-۵۰-۱۶۸۰-۱۹۵). خانه‌ها، ویلاها و آپارتمان‌های احداث شده در شهرهای شمالی و شهر تهران توسط شرکت مزبور به اشخاص مختلف و یا کارکنان دولت فروخته می‌شدند (همان، ش:ب: ۰-۰-۱۸۹۴-۱۹۵، ۰-۰-۵۱۹۱-۱۹۵، ۰-۰-۵۱۳۱-۱۹۵).

علاوه بر سرمایه‌گذاری‌های ساختمانی فوق، بنیاد پهلوی در سال‌های نخستین دهه ۱۳۵۰ش و پس از تأسیس شعبه بنیاد پهلوی در آمریکا در سال‌های ۱۳۵۱-۱۳۵۲، در پوشش سازمانی خیریه وارد سرمایه‌گذاری‌های ساختمانی در این کشور شد. مهم‌ترین پروژه این بنیاد در محله منهتن شهر نیویورک، ساختمان ۳۶ طبقه‌ای بود که با استقراض از بانک‌های آمریکا و با راهنمایی شرکت‌های بزرگ ساختمانی نیویورک برای بنیاد پهلوی در سال ۱۹۷۸ ساخته شد (مُتْمَا، ش:ب: ۰-۰-۲۱۷۲-۱۹۵؛ ۰-۰-۲۱۷۲-۱۹۵؛ ۰-۰-۲۱۶۷-۱۹۵؛ ۰-۰-۴۹۵۵-۱۹۵؛ ۰-۰-۴۹۵۶-۱۹۵).

نتیجه‌گیری

بنیاد پهلوی با فعالیت‌ها و سرمایه‌گذاری‌های گسترده اقتصادی خود علاوه بر کارکرد ثروت‌اندوزی برای شاه، در واقع ابزاری برای تحقق آمال اقتصادی و صنعتی شاه و پشتیبانی از سیاست‌های اقتصادی حکومت پهلوی بود. به عبارتی دیگر، شاه از بنیاد پهلوی به عنوان یک شبه‌دولت اقتصادی، برای «جهش» سریع صنعتی و هدایت و تقویت جریان توسعه صنعتی و

اقتصادی در دو دههٔ واپسین حکومت خود بهره‌برداری می‌کرد. واکاوی فعالیت‌ها و سرمایه‌گذاری‌های گستردهٔ اقتصادی این بنیاد و اشاراتی که به سیاست‌های اقتصادی شاه و حکومت پهلوی و روند توسعهٔ اقتصادی و صنعتی و حوزه‌های مدنظر توسعه یعنی بانکداری، صنعت و معدن، بازرگانی دریایی، توریسم، ساختمان‌سازی و شهرک‌سازی در دهه‌های مزبور شد، به‌خوبی این کارکرد را نشان داد. مداخله و ورود گستردهٔ بنیاد پهلوی در عرصه‌های اقتصادی و صنعتی نیز خود محصول تفکر مداخلهٔ گستردهٔ شاه و حکومت در اقتصاد، و میل به صنعتی‌شدن سریع بود. شاه با سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی از طریق بنیاد پهلوی، علاوه بر اینکه به اهداف خیریه و عام‌المنفعهٔ بنیاد - که بیشتر جنبهٔ صوری داشت - و نیز مطامع مادی خود می‌رسید، در حوزهٔ صنایع و حوزه‌هایی که براساس سیاست‌گذاری‌های انجام‌شده در برنامه‌های توسعه می‌بایست توسط دولت (قوه مجریه) توسعه پیدا می‌کردند، خود مستقیماً وارد می‌شد و مداخله می‌کرد. بنابراین شاه خود شخصاً از طریق بنیاد پهلوی - متتها در کسوت بخش خصوصی - در موج توسعهٔ صنعتی دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ وارد شد و از تسهیلات و اعتباراتی که برای توسعهٔ صنعتی و اقتصادی توسط دولت تزریق شده بود، استفاده نمود و علاوه بر کمک به تقویت و رونق این موج، خود نیز بر آن سوار شد و از آن منتفع گردید.

بنابراین کارکرد مادی - انتفاعی بنیاد برای شاه، که با عناوین مختلفی همچون ثروت‌اندوزی بیان شده است، تبیین‌کنندهٔ تام و تمام چرایی ورود گستردهٔ بنیاد پهلوی به حوزهٔ اقتصاد نمی‌تواند باشد. بلکه باید گفت شاه بنیاد پهلوی را با خط‌مشی‌ها و هدایت خود به صورت گسترده در اکثر عرصه‌های اقتصادی و صنعتی کشور - حتی موازی با نهاد دولت (قوهٔ مجریه) - وارد عمل کرد تا ضمن تأمین و تضمین مالی خود و خاندانش و همچنین تأمین مالی اهداف خیریه و عام‌المنفعهٔ مدنظر خود، به هدایت، جهت‌دهی، توسعه و تقویت بخش اقتصاد و صنعت در حال رشد پردازد.

منابع و مأخذ

الف) اسناد

- آرشیو مؤسسهٔ مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

ب) کتاب‌ها

- آبراهامیان، پروانده (۱۳۹۲). *تاریخ ایران مدرن*. ترجمه محمدابراهیم فتاحی. تهران: نشر نی.

- ابتهاج، ابوالحسن (۱۳۷۱). **خاطرات ابوالحسن ابتهاج**. جلد اول. تهران: علمی.
- **اسنادی از صنعت جهانگردی در ایران ۱۳۰۱-۱۳۵۷**. ش (۱۳۸۰). به کوشش ایرج محمدی و دیگران. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- اشرف احمدی، علی (۱۳۵۰). **ایران در گذشته و حال**. بی.جا. بی.نا.
- پهلوی، محمدرضا (۱۳۴۵). **انقلاب سفید**. تهران: کتابخانه سلطنتی.
- پهلوی، محمدرضا (۱۳۴۷). **مأموریت برای وطنم**. چاپ سوم. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- پهلوی، محمدرضا (۲۵۳۶). **به سوی تمدن بزرگ**. تهران: مرکز پژوهش و نشر فرهنگ سیاسی دوران پهلوی با همکاری کتابخانه پهلوی.
- تقی زاده انصاری، حسن (۱۳۸۳). **جهانگردی در ایران: سیاست‌ها، برنامه‌های عمرانی و توسعه**. تهران: اندیشه پویا.
- محمدرضا سوداگر (۱۳۶۹). **رشد روابط سرمایه‌داری در ایران (مرحله گسترش: ۱۳۴۲-۱۳۵۷)**. تهران: شعله اندیشه.
- صدرزاده، ضیاءالدین (۱۳۴۶). **صادرات ایران از دیدگاه رشد اقتصادی: تجزیه و تحلیل و نقد، مشکلات و راه‌های بهبود**. تهران: بی.نا.
- عاقلی، باقر (۱۳۶۷). **ذکاءالملک فروغی و شهریور ۱۳۲۰**. تهران: علمی و سخن.
- علم، امیر اسدالله (۱۳۷۷). **یادداشت‌های امیر اسدالله علم**. جلد‌های دوم تا ششم. تهران: کتابسرا.
- عالیخانی، علینقی (۱۳۸۱). **خاطرات دکتر علینقی عالیخانی وزیر اقتصاد (۱۳۴۱-۱۳۴۸)**. بنیاد مطالعات ایران. مجموعه تاریخ شفاهی. تهران: نشر آبی.
- **کارنامه بانکداری کشور در نخستین دهه انقلاب شاه و ملت (بهمن ۱۳۵۱)**. ضمیمه ماهنامه کانون بانک‌ها. شماره ۳۷-۳۸.
- کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۷۴). **اقتصاد سیاسی ایران**. ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی. تهران: نشر مرکز. چاپ پنجم.
- گراهام، رابرت (۱۳۵۸). **ایران سراب قدرت**. ترجمه فیروز فیروزنیا. تهران: سحاب.
- لیلاز، سعید (۱۳۹۲). **موج دوم تجدیدسازی آمرانه در ایران، تاریخ برنامه‌های عمرانی سوم تا پنجم**. تهران: نیلوفر.
- معصومی، مسعود (۱۳۸۷). **سابقه برنامه‌ریزی توسعه گردشگری در ایران**. تهران: سمیرا.
- میلانی، عباس (۲۰۱۳). **نگاهی به شاه**. تورنتو: پرشین سیرکل.
- مهران، حسنعلی (۱۳۹۴). **هدف‌ها و سیاست‌های بانک مرکزی ایران (۱۳۳۹-۱۳۵۷ش)**. تهران: نشر نی.

- نراقی، احسان(۱۳۷۲). **از کاخ شاه تا زندان اوین**. ترجمه سعید آذری. تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- نصیری، محمد و جهانشاهی، عبدالعلی و دیگران(۱۳۳۸). **تاریخچه سی ساله بانک ملی ایران ۱۳۰۷-۱۳۳۷**. تهران: چاپخانه بانک ملی ایران. شهریور ۱۳۳۸.

مقاله‌ها

- آموزگار، کورس، «مسئله مسکن»، **ماهنامه اطاق صنایع و معادن ایران**، دوره جدید، شماره سوم، آبان ۱۳۴۷: ص ۱-۱۴.
- «اولین ثمره همکاری دولت با بخش خصوصی»، **هفته‌نامه تهران اکونومیست**. ۱۸ دی ۲۵۳۵: ص ۱۶.
- «ایجاد شبکه توزیع سیمان». **سالنامه تهران اکونومیست**. سال ۱۳۴۹. شماره ۸: بدون شماره صفحه.
- «بانک شهریار و نقش آینده آن در تقویت صنایع و معادن و شرکت‌های ساختمانی». **ماهنامه اقتصاد و صنعت**. شماره ۹۶. اسفند ۱۳۵۱: بدون شماره صفحه.
- «بانک و بانکداری در ایران». **ماهنامه اطاق بازرگانی تهران**. سال سی‌ام. شماره ۸۰ اردیبهشت ۱۳۳۸: ص ۲۵ - ۳۵.
- «بانک‌های تخصصی و توسعه تولید در ایران (سخنرانی جعفر شریف‌امامی، رئیس مجلس سنا در سی‌وهفتمین جلسه سخنرانی ماهیانه بانک مرکزی ایران: ۴ دی ۱۳۴۴). **ماهنامه بانک مرکزی**. شماره ۵۲، دی ۱۳۴۴: ص ۵۱۴ - ۵۲۹.
- «بانک‌های خصوصی و توسعه اقتصادی» (سخنرانی نیکپور، مدیرعامل بانک پارس در مورد نقش بانک‌های خصوصی در پیشرفت‌های اقتصادی و پیشبرد برنامه‌های عمرانی و اقتصادی ایران)، **ماهنامه اقتصاد و صنعت**، شماره ۹۲، آبان ۱۳۵۱، ص ۴۰ - ۴۵.
- بیگدلی مقتدر، علی. «بیان مشترک بانک‌ها». **ماهنامه کانون بانک‌ها**، سال هفتم، شماره ۲۸، مهر ۱۳۴۹، ص ۱۳۸-۱۴۰.
- «توسعه صنعت قند در ایران»(۱). **ماهنامه اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران**. سال پنجم. شماره ۱۰. دی ۱۳۵۳: ص ۲۶ - ۲۹.
- **سالنامه تهران اکونومیست**. سال دوازدهم. فروردین ۱۳۴۳: ص ۱۲۸-۱۲۹.
- عاطفی‌پور، نیک‌محمد. «صنعت سیمان در ایران و امکانات سرمایه‌گذاری در آن». **ماهنامه اطاق صنایع و معادن ایران**. دوره جدید. شماره هشتم. آذر ۱۳۴۸: ص ۸۲.

- «عظیم ترین طرح شهرسازی در شمال غرب تهران به عاملیت بانک عمران اجرا می شود». **ماهنامه بورس**. سال دهم. شماره ۱۱۵. اسفند ۱۳۵۱: ص ۹-۱۱.
- «کارنامه درخشان کشتیرانی جنوب (ایران لاین)». **هفته نامه تهران اکونومیست**. شماره ۹۳۷. ۳۰ اردیبهشت ۱۳۵۱: ص ۳۰.
- **ماهنامه اطلاق بازرگانی تهران**. سال سی ام. شماره ۸۲. تیر ۱۳۳۸: ص ۵.
- «مصاحبه با مهندس رضا شایگان، مدیر عامل کشتیرانی ملی آریا». **ماهنامه اقتصاد و صنعت**. شماره ۹۲. آبان ۱۳۵۱: ص ۴۹-۴۸.
- «نمو اقتصادی در کشورهای توسعه نیافته». **ماهنامه شورای عالی اقتصاد**. شماره ۴. تیر ۱۳۳۸: ص ۳۶.
- هانسن، جان. ر، «رشد و بنیان بخش صنعتی در ایران ۱۹۶۰-۱۹۷۰م». **فصلنامه تحقیقات اقتصادی**. سال نهم. شماره ۳۳ و ۳۴. بهار ۱۳۵۴: ص ۱۹-۵۶.
- «هتل سازی هایت در ایران». **هفته نامه تهران اکونومیست**. ۱۳ بهمن ۱۳۵۲: ص ۱۷.
- **هفته نامه تهران اکونومیست**. شماره های مختلف.

لوح فشرده

- **مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی**. دوره ۱۵. جلسه ۱۸۸. ۲۰ تیر ۱۳۲۸.

Reference

- _____. 1949. The Description of National Consultative Assembly's Negotiations. 15, Session: 188. **CD**.
- _____. 1959. Bānk wa Bānkdarī dar Īrān. Tehran Chamber of Commerce. 30(80): P. 25-35. (**Journal**)
- _____. 1959. Nimuwi Iktisādī dar Kishwarhāyi Tūsi'i Nayāftih. High Economy Council. (4): 36. (**Journal**)
- _____. 1959. Tehran Monthly Chamber of Commerce. 30(82): 5. (**Journal**)
- _____. 1964. Yearbook of Tehran Economist. (12):128-129. (**Journal**)
- _____. 1965. Bānkhāyi Takhasuši wa Tūsi'ih Tūlid dar Īrān, The Presentation of Dj. Sharīf Imāmī, President of the Senate in 37th Monthly Lecture of Iran's Central Bank. Bānk Markazī. (52):514-529. (**Journal**)
- _____. 1970. Īdjādi Shabakih Tūzī'i Sīmān. Tehran Economist. (8): P (n.). (**Journal**)
- _____. 1972. 'Azīmtarīn Tarḥi Shahr Sāzī dar Shumālī Gharbi Tehran bi 'Āmiliāti Bānki 'Umrān Idjirā Mīshawad. Exchange. 10(115): 9-11. (**Journal**)

- _____. 1972. Bānki Shahrīyār wa Naqshī ān dar Taqwīyati Şanāyi' wa Shirkathāyi Sākhtimānī. Economy & Industry. (96): P. (n.p). (**Journal**)
- _____. 1972. Bānkhāyi Khuşūşī wa Tūsi'ih Iktīşādī, Speech by Nīkpūr, Managing Director of Pars Bank on the Role of Private Banks in Economic Advancements and Developing Iran's Construction and Economic Programs. Economy & Industry. (92): P. (40-45). (**Journal**)
- _____. 1972. Kārnāmih Bānkdarī Kīshwar dar Dahiyih Nukhustīni Inklābi Shāh wa Millat. Dāmīmih Kānūni Bānkhā. No.37-38. (n.p), (n.p). (In Persian) (**Book**)
- _____. 1972. Kārnāmiyih Dirakhshāni Kīshtrānī Djunūb (Iran Line). Tehran Economist. (937): 30. (**Journal**)
- _____. 1972. The Interview with Rīzā Shygn, Managing Director of Āriyā National Shipping. Economy & Industry. (92): 48-49. (**Journal**)
- _____. 1973. Hutil Sāzīyi Hāyt dar Īrān. Tehran Economist. P. 17. (**Journal**)
- _____. 1974. Tūsi'ih Şan'ati Kānd dar Īrān. Iran Chamber of Industries and Mines. (10):26-29. (**Journal**)
- _____. 1978. Awalīn Thamarīh Hamkāri Dūlat bā Bakhshi Khuşūşī. Tehran Economist. P. 16. (**Journal**)
- _____. 2001. Asāndī az Şan'ati Djahāngardī dar Īrān 1301-1357 SH. Ī. Muḥmadī and *et all*. Ministry of Culture & Islamic Guidance, Tehran. (In Persian) (**Book**)
- _____. Tehran Economist Weekly. Different Issues. (**Journal**)
- Abrahamian, E. 2013. Tāriki Īrāni Mudirm. M.I. Fataḥī. (Translator). Niy, Tehran. (In Persian) (**Book**)
- 'Ātifpūr, N. 1969. Şan'ati Sīmān dar Īrān wa Imkānāt Sarmāyiguzārī dar ān. Iran Chamber of Industries and Mines. (8): 82. (**Journal**)
- 'Ākīlī, B. 1998. Dhukā' al-Malik Furūghī wa Shahrwari 1320 SH. 'Ilmī wa Sukhan, Tehran. (In Persian) (**Book**)
- 'Alam, A.A. 1998. Yāddāshthāyi Amīr Asadullh 'Alam. Vol. 2-6. Kitābsarā, Tehran. (In Persian) (**Book**)
- 'Alīkhānī, 'A. 2002. Khārti Dr. 'Alī Nakī 'Alīkhānī Wazīri Iktīşād (1341-1348SH.); Institute of Persian Studies. The Collection of Oral History. Ābī, Tehran. (In Persian) (**Book**)
- Āmūzigār, K. 1968. Mas'alih Maskan. Iran Chamber of Industries and Mines. (3): 1-14. (**Journal**)
- Ashraf Aḥmadī, 'A. 1971. Īrān dar Gudhashti wa Ḥāl. (n.p), (n.p). (In Persian) (**Book**)
- Bīgdilī Muqtadir, 'A. 1970. Bīlāni Muhtaraki Bānkhā. Kānūni Bānkhā. 7(28): 138-140. (**Journal**)
- Graham, R. 1979. Īrān Sarābi Kudrat. F. Fīrūznīyā. (Translator). Saḥāb, Tehran. (In Persian) (**Book**)
- Hansen, R.J. 1975. Rushd wa Bunyān Bakhshi Şan'atī dar Īrān 1960-1970. Economic Researches. 9(33&34): 19-56. (**Journal**)

- Ibtihādī, A. 1992. *Khāṭirti Abulḥasan Ibtihādī*. Vol.1. ‘Ilmī, Tehran. (In Persian) (**Book**)
- Kātūziyān, M.‘A. 1995. *Iqtiṣādī Siyāsīyi Īrān*. M.R. Naffisī & K. ‘Azīzī. (Translators). Markaz, Tehran. (In Persian) (**Book**)
- Liylāz, S. 2013. *Mūdji Duwumi Taḍjadudi Āmirānih dar Īrān, Tārīkhi Barnāmihāyi ‘Umrāni 3-5*. Nīlūfār, Tehran. (In Persian) (**Book**)
- Ma‘šūmīh, M. 2008. *Sābīkih Barnāmih-rīzī Tūsi‘ih Gardishgarī dar Īrān*. Samīrā, Tehran. (In Persian) (**Book**)
- Mīhrn, Ḥ. 2015. *Hadafhā wa Siyāsathāyi Bānki Markazī Īrān (1339-1357 SH.)*. Niy, Tehran. (In Persian) (**Book**)
- Mīlānī, ‘A. 2013. *Nīgāhī bi Shāh*. Persian Circle, Toronto. (**Book**)
- Narākī, I. 1993. *Az Kākhi Shāh tā Zindāni Iwīn*. S. Ādharī. (Translator). Rasā, Tehran. (In Persian) (**Book**)
- Naṣīrī, M, ‘A. *Djahānshāhī et all*. 1959. *Tārīkhchīh Bānki Millī Īrān (1307-1337 SH.)*. Bānki Millī Īrān, Tehran. (In Persian) (**Book**)
- Pahlawī, M.R. 1966. *Inqilābi Sifid*. Royal Library, Tehran. (In Persian) (**Book**)
- Pahlawī, M.R. 1968. *M’amūrīat barāyi Waṭanam*. Bongāhi Tarḍjumih wa Naṣhr, Tehran. (In Persian) (**Book**)
- Pahlawī, M.R. 1977. *Bi Sūyi Tamaduni Buzurg*. Markazi Pazhūhīsh wa Naṣhri Farhangi Siyāsī Dūrāni Pahlawī, Tehran. (In Persian) (**Book**)
- Ṣadrzādīh. Ḍ. 1967. *Ṣādirāti Īrān az Dīdgāhi Ruṣhdi Iqtiṣādī: Taḍjīziyih wa Tahllīl wa Naḡd, Mushkilāt wa Rāhhāyi Bihbūd*. Tehran, (n.p). (In Persian) (**Book**)
- Sūdāgar, M.R. 1990. *Ruṣhd Rawābiṭi Sarmāyidārī dar Īrān (Marḥalih Gustarīsh: 1342-1357 SH.)*. Shu’lih Andīshih, Tehran. (In Persian) (**Book**)
- TaḲīzādīh Anṣārī, Ḥ. 2004. *Djahāngardī dar Īrān; Siyāsathā, Barnāmihāyi ‘Umrāni wa Tūsi‘ih*. Andīshih Pūyā, Tehran. (In Persian) (**Book**)
- The Archive of institute for Iranian Historical Studies
- The Archive of Islamic Revolution Documents Center